

تحلیل رابطه کهن الگوی شر با مفهوم گروتسک در نگاره‌های البلهان ابومعشر بلخی بر اساس رویکرد کایزر

چکیده:

گروتسک مقوله‌ای کم و بیش خیالی است که از دیرباز در هنر و ادبیات مطرح بوده و به دلیل درهم آمیختن ناهنجاری، شگفتی، خنده، وحشت و بیش از همه خیال در آن به عنوان یکی از موثرترین مقولات نظری برای نهیب زدن و جواب‌گویی به مسایل دنیایی مطرح می‌شود. کایزر با پژوهش در حیطه گروتسک ویژگی‌های آن را برشمرده و بیش تر به جنبه ترسناک گروتسک می‌پردازد که با تصویر کهن الگوهای شر در نگاره‌های ایرانی هم‌خوانی زیادی دارد. کتاب البلهان ابومعشر بلخی محفوظ در کتابخانه بادلیان آکسفورد نوعی فال‌نامه و حاوی نگاره‌هایی با موضوع موجودات شر مانند انواع جن و ابلیس است و نمونه قابل قبولی برای تطبیق مفهوم گروتسک از دیدگاه کایزر با تصویر کهن الگوهای شر می‌باشد. هدف این پژوهش شناسایی گروتسک در کتاب البلهان ابومعشر بلخی بوده و با رویکرد کیفی و به شیوه توصیفی - تحلیلی در پاسخ به این پرسش‌ها انجام شده است: ارتباط تصویر موجودات شر در نگاره‌های البلهان با مفهوم گروتسک چیست و محورهای تئوری کایزر را چگونه می‌توان در نسبت دادن گروتسک به تصویر موجودات شر در نگاره‌های البلهان به کار گرفت؟ به این منظور تعداد ۱۰ نگاره از این کتاب به صورت هدف‌مند انتخاب

و با مفهوم گروتسک بر مبنای دیدگاه ولفگانگ کایزر بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد ویژگی‌هایی که کایزر برمی‌شمارد و برخی چارچوب‌های بصری البلهان، شباهت‌های نزدیکی به یکدیگر دارند. او به کارگیری گروتسک را در ارتباط با مفاهیم مذهبی نا آشنا با چشم انسان، ناگزیر می‌داند و به ویژگی ترس آور گروتسک بیش تر تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: کهن الگو، موجودات شر، گروتسک، ولفگانگ کایزر، البلهان

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳

فرزانه واحد دهکردی

دانشجوی دکترای پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Email: farzanehvahed@gmail.com

زهرا فنایی

(نویسنده مسئول)، استادیار، گروه هنر، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Email: zahraf1351@gmail.com

مقدمه

یونگ به تکراری و عمومی بودن شخصیت‌ها و رویدادهای زندگی در انسان‌ها پی برد. وی به این نتیجه رسید که افسانه‌های تاریخی که در فرهنگ‌های مختلف وجود دارند با روش‌های نمادین، تجربیات درونی مردم را به نسل‌های بعد انتقال می‌دهند؛ و این داستان‌ها - که به کرات در هنر و ادبیات نقاط مختلف جهان مطرح شده‌اند - ساختار زندگی انسان را شکل می‌بخشند. در تمامی این داستان‌ها تعداد کمی الگوهای اصلی وجود دارند. مفاهیم مشترکی که از اجداد بشر نسل به نسل منتقل شده‌اند و در ژرفای ضمیر ناخودآگاه قرار گرفته‌اند کهن‌الگوها ۱ هستند (یونگ، ۱۳۸۳: ۹۰-۱۱۸). یکی از انواع این کهن‌الگوها «شر» می‌باشد که بعضاً در نگاره‌ها به صورت دیو، شیطان یا ابلیس دیده می‌شود و در کتبی مانند کتاب البلهان ابومعشر بلخی که نوعی فال‌نامه است و در کتابخانه بادلیان آکسفورد نگهداری می‌شود، بسیار نمود یافته است. این موجودات از ویژگی‌های صوری خاصی برخوردارند که می‌توان آن‌ها را به گروتسک ۲ نسبت داد. گروتسک‌ها اشکال عجیب و غریب و مسخ‌شده و تغییر شکل یافته به‌ویژه در چهره و بدن انسان می‌دانند که هم‌چنان که وحشت‌آورند منجر به خنده خواهند شد. ساختار گرایانی هم‌چون ولفگانگ کایزر و میخائیل باختین با پژوهش در حیطه گروتسک هر یک از منطری متفاوت، ویژگی‌های آن را بر شمرده‌اند و در نهایت، این سبک هنری را در صدد تشریح جهانی بیگانه از خود دانستند که در آن قدرت جهت‌گیری نیست. جان راسکین، ویکتور هوگو، فردریش شلگل و والتر بجت همگی معتقد بودند که گروتسک چیزی را از اغراق‌های شاخ‌دار یا کم‌دی سبک و به اصطلاح روحی ۳ است. گروتسک برای کایزر تنها یک کاریکاتور مضحک یا هجوی رایج نیست، بلکه باعث برانگیخته شدن احساسات متناقض مانند سرگرمی و در عین حال ترس است. در این‌جا احساس اصلی گونه‌ای غافل‌گیری، وحشت و ترس را در حضور جهانی القا می‌کند که در حال از هم پاشیدن و باقیمانده آن غیر قابل دسترس است. به نظر کایزر گروتسک آن‌چنان مفهوم بی‌معنایی نیست که تنها به نیروهای شیطانی اشاره داشته باشد، بلکه نوعی مفهوم گنگ است که به بینش‌های جدید یا ابعادی از هستی اشاره دارد که یا از بین رفته‌اند یا تصاویری از دوران جدید یا نقاب‌های معنوی ارائه می‌دهد.

اکنون معاصران، گروتسک را اساساً ماهیتی دوگانه می‌بینند که حاصل تقابل تضادها می‌باشد و حداقل در برخی از شکل‌هایش تعبیر درستی از ماهیت پیچیده زندگی است (تامپسون، ۱۳۶۹:

۲۴). در قرن ۱۹ فیلسوفانی چون هگل، هوگو، سایموندز و راسکین از گروتسک در هنر و ادبیات به عنوان قالبی نقادانه بهره گرفته‌اند. آن‌ها که شیفته خصیصه عجیب و غریب و به ظاهر متناقض آن شده بودند، به اهمیت فیلسوفانه اجتماعی و نقد کننده آن پی برده و نخستین اقدامات هدف‌مند و منظم برای تشریح گروتسک را عرضه کردند (لوتر، ۱۳۹۵: ۱۹).

به‌طور کلی، ویژگی‌های گروتسک را می‌توان در ناهماهنگی، افراط و اغراق، نابهنجاری عناصر خنده‌آور و خوفناک خلاصه کرد. ترس و طنز دو مقوله‌ای هستند که به صورت هم‌زمان در گروتسک دیده می‌شوند و این ویژگی‌ای است که در تصویر کهن‌الگوهای شر مانند دیوها، اجنه و هیولاها در نگارگری ایرانی و بالاخص نگاره‌های البلهان قابل مشاهده است. تصویر موجودات شر در این نگاره‌ها تفاوت قابل ملاحظه‌ای با سایر موجودات دارد. ویژگی‌هایی در بازتاب تصویری موجودات شر وجود دارد که با محورهای تئوری کایزر هم‌خوانی دارد. پرسش‌های پژوهش عبارتند از:

تصویر موجودات شر در نگارگری ایران چگونه در قالب کهن‌الگو مطرح می‌شوند؟

ارتباط تصویر موجودات شر در نگاره‌های البلهان با مفهوم گروتسک چیست؟

چگونه می‌توان محورهای تئوری کایزر را در نسبت دادن گروتسک به تصویر موجودات شر در نگاره‌های البلهان به کار گرفت؟

روش پژوهش

نوع پژوهش از آن جهت که به ویژگی‌ها، صفات و کشف و شناخت کهن‌الگوهای شر در نگاره‌های البلهان و به تبیین علت به کارگیری مفاهیم گروتسک وار در آن‌ها می‌پردازد به شیوه توصیفی تحلیلی انجام می‌شود. در واقع، در این زمینه با تکیه بر دانش پیشین و خلاقیت ذهنی و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل منطقی و استدلال قیاسی گزاره‌های نظری جدید در رابطه با این آثار ارائه می‌گردد. در ادامه، در پاسخ به چرایی به کارگیری مفاهیم گروتسکی با توجه به رویکرد کایزر در بازتاب تصویری این کهن‌الگوها از روش تحلیل ساختار و محتوا استفاده می‌شود. مطالب از طریق داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی به شیوه فیش‌برداری و تصاویر از طریق سایت کتابخانه بادلیان آکسفورد به شماره ۱۳۳ [Arch. c. 20] به صورت هدف‌مند انتخاب شده‌اند. جامعه آماری نگاره‌های کتاب البلهان ابومعشر بلخی (۸۱۲ هجری) است که

تعداد ده نگاره از آن انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه کیفی انجام می‌شوند.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با گروتسک آثار چهار نظریه پرداز مورد توجه است: در کتاب «گروتسک در هنر و ادبیات» اثر کایزر (۱۹۶۳)، به تعریف گروتسک پرداخته شده و پس از بررسی تاریخچه آن به وجه ترسناک و شیطانی بودن گروتسک تاکید نموده است. باختین (۱۹۸۴)، در کتاب «دنیای رابله» به جنبه کمیک گروتسک اشاره می‌کند و آن را با کارناوال مرتبط می‌سازد. هارفام (۲۰۰۷)، در اثر خود با نام «درباره گروتسک، استراتژی‌های تضاد در هنر و ادبیات» پس از تایید نظریات کایزر و باختین به وجه اسطوره‌ای گروتسک اشاره می‌کند و دیدگاه خود را به نظر کایزر نزدیک‌تر می‌بیند. کوریلوک (۱۹۸۷) نیز در کتاب «سالومه و یهودا در غار شهوانیت: گروتسک، تکنیک‌ها، ریشه‌ها و شمایل نگاری» پس از بیان و تایید نظریات قبلی به نقش زن در گروتسک می‌پردازد و استفاده ابزاری از زن را نیز به عنوان جنبه‌ای دیگر از گروتسک در دنیای امروز مطرح می‌سازد. در ارتباط با کهن الگوها قادرنژاد و الیاسی (۱۳۹۱)، در مقاله «حضور کهن الگوها در نگارگری ایرانی» به نقد کهن الگویی در ادبیات و هنر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که، تحلیل نگارگری ایرانی بر اساس کهن الگوها پردازشی غربی نیست و با توجه به انسان محور بودن این هنر، عناصر تصویری آن نوعی و مثالی هستند و می‌توان آن‌ها را کهن الگو قلمداد نمود. افتخاری و نصری (۱۳۹۵)، در مقاله «نمود بدن گروتسک در نقاشی‌های محمد سیاه قلم بر مبنای اندیشه میخائیل باختین» به نمود گروتسک در هنر پرداخته و ذکر کرده گروتسک موجود در تصویر موجودات خیالی آثار محمد سیاه قلم بر اساس رویکرد باختین تحلیل شده‌است. در ارتباط با کتاب البلهان، استفانو کاربونی (۱۹۹۱)، در مقاله «کتاب عجایب (کتاب البلهان)» به طور مشخص به معرفی کتاب البلهان موجود در کتابخانه بادلیان آکسفورد پرداخته‌است. طاهری (۱۳۹۶)، در مقاله «مطالعه تطبیقی کتاب السعاده با البلهان ابومعشر بلخی» نتیجه گرفته که، گرچه کتاب السعاده از روی نسخه البلهان نوشته و تصویر شده، اما نسبت به نسخه اصلی خود از ظرافت و کیفیت بالاتری برخوردار است. پژوهش حاضر ضمن پرداختن به موجودات شر در نگارگری ایرانی و مطرح نمودن آن‌ها در قالب کهن الگوها، به تحلیل رابطه گروتسک با تصاویر

موجودات ذکر شده در نسخه البلهان ابومعشر بلخی بر اساس رویکرد کایزر می‌پردازد.

گروتسک

واژه‌های است ایتالیایی و نوعی سبک، مفهوم و اصطلاح در مجسمه‌سازی، هنرهای تزئینی، نقاشی، طراحی، معماری، هنرهای نمایشی، زیبایی‌شناسی و ادبیات به‌شمار می‌آید. پیشینه آن دست کم به نخستین سال‌های مسیحیت، به ویژه در فرهنگ رومی می‌رسد. در سده شانزدهم، پس از کشف نقاشی‌هایی که تصویر انسان و گیاهان و حیوان را به شیوه‌ای عجیب در هم می‌آمیختند، از کلمه «گروت» و «گروتو» (به معنای صخره و غار) برای توصیف آن‌ها استفاده شد و صفت «گروتسکو» اشاره به این نوع نقاشی داشت (تامسون، ۱۳۹۰: ۲۳). به همین صورت در سده شانزدهم رواج عام یافت و در مورد شکل‌های کژنما و اغراق آمیز، ترسناک یا مضحک، به خصوص در مجسمه‌سازی به کار برده شد (پاکباز، ۱۳۸۱: ۴۴۶). و بیش‌تر بر همان جنبه تلفیق شخصیت‌های انسانی با حیوان‌ها تأکید داشت (سیدصدر، ۱۳۸۸: ۵۱۸). در زبان فارسی این کلمه به معانی مختلفی چون مضحک و مسخره، خنده‌آور، شگفت‌آور، ناهنجار، ناجور، عجیب و غریب، باورنکردنی، نامعقول، خیالی، ناآشنا، ناساز و ناموزون ترجمه شده که در واقع، پاره‌ای از ویژگی‌های آن را معرفی می‌کند. در فرهنگ علوم انسانی عجایب‌نگاری؛ ترکیب نقش برگ، گل، انسان و حیوان معنی شده است (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۵۲). فرهنگ فشرده واژگان ادبی آکسفورد مشخصه گروتسک را اشکال عجیب و غریب، مسخ شده و تغییر شکل یافته می‌داند؛ به ویژه تغییراتی غیرعادی و عجیب که در اجزای بدن چهره انسان جلوه کند و در پایان هم می‌افزاید: «شخصیت داستانی را که به طور نگران‌کننده‌ای عجیب و غریب باشد، گروتسک می‌نامند» (کلارک، ۱۳۸۹: ۱۴۱). هم‌چنین ذکر شده گروتسک پدیده‌ای دوگانه است؛ یعنی ساختاری است که ترکیبی از افکار متضاد را در خود نهفته دارد (مکاریک، ۱۳۸۴: ۱۴۴)، و در آن واحد «هم مجذوب می‌کند و هم می‌رماند، هم می‌خنداند و هم می‌هراساند (همان: ۲۴۵). این دوگانگی و تضاد درونی در مفهوم گروتسک در برخی از فرهنگ‌ها و تعاریف منابع دیگر هم مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً در فرهنگ نظریه و نقد ادبی، سبکی هنری-ادبی و معادل «مضحکه شگرف» دانسته شده که عناصر شگرف، اغراق، شهوانی، ترسناک و جلوه‌های کمیک و طنزآمیز از ویژگی‌های آن است (سبزیان، ۱۳۸۸: ۲۴۴). در فرهنگ هنر

حال از هم پاشیدن و باقیمانده آن غیر قابل دسترس است. چهار مقدمه اصلی، محور تئوری کایزر عبارتند از: گروتسک دنیایی بیگانه است. گروتسک به عنوان بیانی از یک نیروی غیر قابل ادراک و غیر شخصی به نظر می‌رسد. گروتسک بازی با نامعقولات است. خلق گروتسک تلاشی برای احضار و مقهور کردن ابعاد شرورانه و شیطانی جهان است. آرتور کلای برو معتقد است تنها بخش اول این چهار بیانیه با بخش معرف هنر گروتسک مرتبط است و سه قسمت دیگر بیشتر با وجه اکسپرسیو یا مفهومی آن مرتبط هستند و به واسطه نقطه نظر هنرمند، گرایش ذهن خودآگاه یا ناخودآگاه که باعث خلق اثر هنری شده، به ما معرفی می‌شود. ۴ نقطه نظر کلای برو به خوبی اتخاذ شده، اما فرد هم‌چنین می‌تواند مدعی شود که مخاطب اثر هنری، قادر است این بازی به قول کایزر همراه با نامعقولات را تجربه کند و با نیروهای شیطانی نیز مواجه شود. مسلماً این قدرت بر مخاطب تاثیر می‌گذارد که کایزر بسیار مصرّ است تا آن درک شود.

گاهی اوقات به نظر می‌رسد کایزر حامی هر نوع نظریه گروتسک است، یعنی به عنوان نیروهای ظلمانی که نامی ندارند یا نیروهای شیطانی که نمی‌توان هیچ‌گونه ارجاج تاریخی را در آن‌ها مشاهده کرد؛ در حالی که گاهی به بی‌محتوایی آن‌ها اشاره و بدین شکل نظر خود را بیان می‌کند. دیگر تئوری‌های گروتسک در ارزیابی و تجربه، جنبه مثبت بیش‌تری دارند و در این دورنماها، گروتسک آن‌چنان مفهوم بی‌معنایی نیست که تنها به نیروهای شیطانی اشاره داشته باشد، بلکه نوعی مفهوم، هر چند گنگ است که به بینش‌های جدید یا ابعادی از هستی اشاره دارد که یا از بین رفته‌اند یا تصاویری از دوران جدید یا نقاب‌های معنوی ارائه می‌دهد. خنده در گروتسک خنده از ته دل نیست و جنبه ترسناک و انزجار آفرین گروتسک خنده را بر لب می‌خشکاند. هدف گروتسک بیش‌تر این است که، ترس و انزجار را از عمق به سطح بکشاند و ظاهر کند؛ تا در سطح با لعیابی از خنده بی‌ضرر [نمایان] کند... از نظر کایزر گروتسک - که خارج کردن ارواح پلید است - اشاره به این مطلب دارد. گروتسک احساس اضطراب ناشی از مضحکه‌ای است که به افراط کشیده شده باشد و برعکس گروتسک شکست و طرد اضطراب ناشی از جهل و معضلات توضیح‌ناپذیر توسط مضحکه و خنده است (تامسون، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۱۰۱). در واقع، کایزر بیش‌تر بر

و هنرمندان معادل «سور عجایب» (موری، ۱۳۸۷: ۴۱۱) و «عجایب هیئت» (کرامتی، ۱۳۸۷: ۱۴۱) به کار گرفته شده است. اما به هر حال اصل و منشای گروتسک ابتدا، به هنرهای بصری اطلاق می‌شده و پافشاری بر ماهیت فیزیکی آن کاملاً منطقی است. گروتسک همیشه یک کیفیت ملموس و مجسم بوده است و از انتزاع و تجرد دوری جسته است (تامپسون، ۱۳۶۹: ۹۶). برخی معتقدند گروتسک انتقام هنرمندان است از آنچه او را عمیقاً آزرده که در آغاز از غریزه بدوی آدمی در عطش او برای غیر ممکن‌ها سرچشمه گرفت، اما بعدها به قالبی پیچیده تبدیل شد. آدامز و ویتس می‌گویند: «ما در مواجه با گروتسک فضایی را تجربه می‌کنیم که دنیای متعارف ما را زیر سوال می‌برد و بانمادی اهریمنی مواجه می‌شویم که همواره تلاش می‌کنیم از آن دوری کنیم؛ در حالی که می‌دانیم برای دستکاری خویش باید با نیروی آن درگیر شویم» (آدامز و ویتس، ۱۳۹۵: ۱۱). گروتسک و هنر گروتسک مربوط به آن اثر هنری و یا اتفاق اجتماعی است که ذاتاً ماهیتش وابسته به عناصر متضاد است و بدون این تضاد آن اثر هنری و یا اتفاق اجتماعی از ماهیت خود خالی می‌شود (مکاریک، ۱۳۸۴: ۴۱).

رویکرد ولفگانگ کایزر

هر چند کوشش‌هایی مهم، ولی پراکنده، در سده نوزدهم در تعریف ماهیت گروتسک به عمل آمده؛ اما تنها در سال ۱۹۵۷ و با انتشار کتاب گروتسک در هنر و ادبیات اثر ولفگانگ کایزر ناقد آلمانی گروتسک هدف بسیاری از تحلیل‌های زیبایی‌شناختی و سنجش ناقدان قرار گرفت (تامپسون، ۱۳۶۹: ۳۴). اثر کایزر بنیان‌گذار توجهات به این مقوله پس از جنگ جهانی دوم بود و اغلب تئوری‌سین‌های دوران مدرن، اثر او را به عنوان یک مرجع مورد استفاده قرار می‌دهند. او در یکی از نتیجه‌گیری‌هایش به رابطه گروتسک با مذهب به واسطه خصلت مفهوم آن اشاره می‌کند و می‌نویسد: پسوند ESQUE نمایانگر نوعی مداخله و مشارکت در ذاتی روحانی است و جدا از قلمرو نام‌های کامل ES-QUE و ESCO و هم‌چنین، ISCH خود را تنها به نام‌هایی الحاق می‌کنند که در آن‌ها یک ذات معنوی وجود دارد. گروتسک آن‌چنان که در فرانسه قرن هجدهم مشاهده می‌شود، برای کایزر تنها یک کاریکاتور مضحک یا هجوی رایج نیست، بلکه احساسات متناقضی هستند که به واسطه گروتسک برانگیخته شده‌اند، مانند سرگرمی و در عین حال ترس و در اینجا احساس اصلی گونه‌ای غافل‌گیری، وحشت و ترس را در حضور جهانی‌القامی کند که در

فال مقبول و اختلاج ۵ است. کتاب به زبان عربی نوشته شده و دارای حاشیه نویسی‌های ریز و بسیار است. نویسنده کتاب ابومعشر بلخی است که نام وی به وضوح در دومین سطر از مقدمه و بیش تر صفحات کتاب ذکر شده است. وی منجم، ریاضی دان و فیلسوف بود. در بلخ متولد شد، سپس در اوایل قرن نهم میلادی / سوم هجری قمری به دربار عباسیان در بغداد رفت. در این کتاب

جنبه‌های تلخ و دهشتناک و مشمئزکننده گروتسک متمرکز شده است.

البلهان

کتاب البلهان را برخی به کتاب عجایب ترجمه کرده‌اند ولی در واقع، نوعی کتاب فال نامه و شامل بخش‌هایی همچون فال انبیاء،

جدول ۱. معرفی کهن الگوهای شر با موضوع اجنه و ابلیس از کتاب البلهان ۷ (ماخذ: نگارندگان).

شماره	۶۹. نگاره ۱	۷۳. نگاره ۲	۷۹. نگاره ۳	۷۲. نگاره ۴
نگاره				
موضوع	دیو کابوس	تلسیمان (طلسم تب آور)	ابلیس	جن تاویعه
شماره	۷۰. نگاره ۵	۷۷. نگاره ۶	۷۵. نگاره ۷	۷۴. نگاره ۸
نگاره				
موضوع	جن چشم نظر (چشم شیطان)	جن میمون سحاور	جن احمر و طلا	جن اسود و طلا
شماره	۷۸. نگاره ۹	۷۶. نگاره ۱۰		
نگاره				
موضوع	شمهورس نصرانی	جن ذوبعه		

این تعداد، ۵ نگاره که موجودات شر تنها در بخش هایی از تصویر دیده می شوند حذف شده و ۱۰ نگاره - که به طور کامل به این مفاهیم پرداخته اند - بررسی می شوند که در جدول ۱، معرفی می گردند.

معرفی نمونه ها

در کتاب البلهان تعداد زیادی تصویر - که معرف گروتسک هستند - وجود دارد. در بین این تصاویر، ۱۰ تصویر که موضوع اصلی آن ها اجنه، دیو و ابلیس هست و کل نگاره به آن ها اختصاص دارد انتخاب و به عنوان نمونه های موردی در این پژوهش بررسی شدند که در جدول ۱، به نمایش گذاشته شده اند.

ویژگی های گروتسک

گروتسک یک شیوه همه گیر است و خصوصیات معنایی آن کمابیش در همه فرهنگ ها قابل تشخیص است. هر چند خاستگاه گروتسک را به روم منسوب می کنند، اما روحیه گروتسکی در کشورهای مختلف به صورت جداگانه وجود داشته است؛ این مسأله همان گونه که اشاره شد، در اثر تکان ها و تنش های اجتماعی و گاه مربوط به روحیه هنرمندان بوده است. عناصر موجود در گروتسک را به صورت عمده می توان در موارد زیر خلاصه نمود.

الف) ناهماهنگی: یکی از مشخصه های اصلی گروتسک در طی زمان عنصر ناهماهنگی است که مصداق آن تضاد و تعرض و آمیزهای از امور ناهمگون یا امتزاج اجزای نامتجانس است. این ناهماهنگی ها در اثر هنری نیز به صورت ناهماهنگی بروز می کنند و واکنشی که ایجاد می کنند به حدس و گمان در خلق و خوی هنرمند آفرینش گر و سرشت روانی او منجر می شود (تامسون، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵).

ب) وحشت آور و خنده دار: گروتسک سبک تلفیق حس های متضاد است از این رو، دو حس خنده و ترس را با یکدیگر به مخاطب القا می کند. آمیزش دو عنصر وحشت آور و خنده دار، که باعث برانگیختگی احساس ابهام و دوگانگی در مخاطب می شود و چهره های متفاوت و تفکیک ناپذیر حیات را نشانه می گیرد نیز بر گرفته از همین تلفیق است. از نظر کایزر گروتسک تجلی این دنیای پریشان و از خود بیگانه است، یعنی دیدن دنیای آشنا از چشم اندازی که آن را بس عجیب می نمایاند و این عجیب بودن ممکن است آن را مضحک و ترسناک جلوه دهد یا هم زمان، هر دو این کیفیت ها را بدن ببخشد (همان: ۳۰). کایزر با این نظر، که

برای کنترل تأثیر طلسم ها و مکان های سحرانگیز به انواع دیوها، اجنه، فرشتگان، پیامبران و جداول طلسمات پرداخته شده است. ابومعشر در آثار خویش کوشیده است، تا با یاری گرفتن از سنت های ایرانی، هندی و یونانی و با به کارگیری فلسفه سریانی که به کارایی ستارگان و سحر رنگ نوافلاطونی می داد و در نوشته های کندی و کتاب های حرانیان و نیز در آثار دانشمندان ایرانی پیش از وی منعکس است، درستی احکام اخترشناسی و کاربرد آن را در سحر و افسون به اثبات رساند (دیانت، ۱۳۶۷: ۲۷۲). متن کپی شده کتاب البلهان - که در مقدمه آن نیز ذکر شده - کتاب الموالید است - رساله ای در اخترشناسی و نجوم اثر ابومعشر که مباحث طالع بینی مرد و زن را مطرح می کند (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۸).

نسخه مورد نظر این پژوهش محفوظ در کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد به شماره ۱۳۳ [Arch. c. 20] می باشد. خطاط و خوش نویسی که متون را کپی کرده، عبدالحسن بن علی بن الحسین الاصفهانی متولد بغداد است. چه الاصفهانی واقعا نقاش این اثر باشد و چه نقاش حرفه ای دیگری به کار گرفته شده باشد، ظاهرا اثر نهایی توسط این دو نفر طراحی شده است. این پیوستگی هنوز چندان به درستی تصدیق نشده است؛ اما اعتقاد بر این است که کتاب البلهان حقیقتا باید در میان بدنه اصلی ادبیات مصور آغازین با موضوع عجایب المخلوقات قرار گیرد؛ کتابی که اساسا با چند نسخه از عجایب المخلوقات القزوینی بعلاوه نسخه ای از کتاب الموالید ابومعشر - که بخشی از آن در مجموعه لندن وجود دارد - برابری می کند (Carboni, 1991: 24-34).

این کتاب برای شیخ الدیا حسین الاربیل نوشته شده و در ماه شعبان در سال ۸۱۲ هجری قمری از دست او به حیدر بن حاجی الکریم بن محمد داده شده است. تعداد صفحه های این کتاب صفحه ۳۵۲ (از اولین صفحه نوشتاری) است. این اثر برای نخستین بار در اواخر قرن چهارده و اوایل قرن پانزده میلادی مصور شد. در این کتاب به انواع دیوها، اجنه، فرشتگان، پیامبران، طلسم ها، ارقام و جداول طلسمات برای کنترل تأثیر طلسم ها و مکان های سحرانگیز و افسانه ها پرداخته شده، ضمن این که تصویری از موجودات عجیب الخلقه در آن دیده می شود. در کتاب البلهان، هفت پادشاه جنیان تصویر شده که هر کدام متعلق به یک روز هفته است.

کتاب البلهان ابومعشر بلخی موجود در کتاب بادلیان آکسفورد، دارای ۱۰۱ نگاره است. از مجموع نگاره های البلهان، ۱۵ عدد با موضوع کهن الگوهای شر مانند اجنه و ابلیس تصویر شده اند که از

کهن الگوهای شر در نگارگری

از آنجا که دواصل خیر و شر، پایه و اساس اعتقادات ایرانیان باستان پیش از زرتشت بوده و در ادامه آن نیز در مذاهب گوناگون پس از آن وارد شده است، جایگاه مظاهر خیر و شر در نگارگری ایرانی نیز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. انسان همیشه در جدال میان خیر و شر متحیر بوده است. مبنای تفکر فلسفی را از آغاز تاکنون تقابل‌های دوتایی تشکیل داده است. اعتقاد به نبرد و درگیری میان دو اصل نیک و بد اساس تفکر اسطوره‌های ایرانی را نیز تشکیل می‌دهد و از دیرباز در باور بشر به خلق موجوداتی منجر شده است که در ناخودآگاه جمعی انسان در قالب کهن الگو نسل به نسل رسوخ کرده‌اند. در نهایت، موجوداتی با فطرت زشت و شخصیت اهریمنی و مخوف در نگارگری ایرانی دیده می‌شوند که جز در موارد استثنایی بیان‌گر حالات درونی نیستند و ترسناک و وحشت‌آور محسوب نمی‌شوند. از آن جمله تصویر دیو به عنوان نماد شر است که هر جا که ظهور خیر محقق نشده است در نگاره‌های ایرانی به چشم می‌خورد (رهنورد، ۱۳۸۶: ۸۸).

نگاره‌های ایرانی به واسطه عدم تبعیت از قوانین رویت جهان واقعی نمودی از کهن الگوها هستند. کوه آدم و درخت نیز بیش‌تر صورت نوعی آرکی تیپ ۸ هستند تا شکل‌های تقلید شده از طبیعت (پاکباز، ۱۳۸۱: ۵۹۹). در واقع، عناصری که در نگاره‌ها به کار گرفته شده صورتی است از آن‌چه هنرمند در عالم مُثُل مشاهده کرده است. بر این اساس، تصاویری که در قالب موجودات شر دیده می‌شوند، به دلیل داشتن ویژگی‌های یکسانی که در نسخه‌های متفاوت و توسط هنرمندان مختلف خلق شده‌اند، نیز می‌توانند به نوعی کهن الگوهای شر به‌شمار آیند. موجودات شر مانند دیوها و اجنه که در مکاتب گوناگون نگارگری تصویر شده‌اند با سایر موجودات تفاوت‌های قابل توجهی به لحاظ نوع بر خورد هنرمندانه دارند. گویی نگارگر ایرانی هر جا با شری مواجه شده، که بر مبنای تفکر اسلامی «عدم» به حساب می‌آید (عامری و توازیانی، ۱۳۹۶: ۸۵)، متفاوت از سایر موجودات بر خورد نموده است. همه این موجودات در عین حال که ترس‌آورند به نوعی، مضحک به نظر می‌رسند. با توجه به ویژگی‌های مشترکی که در همه این موجودات تکرار شده می‌توان آن‌ها را به عنوان کهن الگو مطرح نمود. در نقاشی ایرانی تصاویر غریب در مواجهه با متون ادبی و هم‌چنین، گاه در مواجهه با موجودات شر ظاهر می‌شود. بعضی از این نگاره‌ها را می‌توان ریشه‌ای برای کاریکاتورهای امروزی دانست. اما در بعضی از آن‌ها وجه ترساننده و مخوف بارزتر دیده می‌شود؛ این دسته بیش‌تر با تعریف گروتسک

گروتسک، دلچک بازی اغراق آمیز است و نه حضور دوگانه حالتی مسخره و مضمئزکننده و ترسناک، مخالف است. گروتسک در عین خنده‌دار بودن، وحشت‌آفرین است؛ چیزی که پیش از این آشنا بوده، توسط گروتسک چند معنا و چند شقه می‌شود و همین فرم تازه احساسات متناقضی مثل شادی و وحشت را در تصاویر متجلی می‌کند (کوندرا، ۱۳۸۳: ۲۵۴).

ج) افراط و اغراق: دلیل مهم استفاده از اشکال و عناصر افراطی در گروتسک برجسته کردن و تاثیر مضاعف یک پدیده است؛ این مسأله در خیال‌پردازی بارزتر است؛ اما به جهان واقعی ارجاع می‌دهد و همواره با نوعی افراط در بیان عاطفی توأم است.

د) نابهنجاری: نابهنجاری در گروتسک همواره عاملی ثانویه است. واکنش‌هایی مانند نشاط و انزجار، خنده و ترس و جاذبه و دافعه هم‌زمان، از نابهنجاری شدید ناشی می‌شود. لذت نوآوری از حد معینی که می‌گذرد به ترس تبدیل می‌شود. این نابهنجاری است که گروتسک از شیوه‌های متعارف فراتر می‌رود و همواره، ناقدان و طرفداران زیبایی متعارف را به چالش وامی‌دارد؛ چرا که واکنش افراد مختلف در شرایط گوناگون با این نابهنجاری یکسان نیست (کامرانی، ۱۳۸۰: ۱۱۴-۱۳۵). موارد ذکر شده را می‌توان برای نمونه در تصویر ۱، ملاحظه کرد.



تصویر ۱- جن احمر و طلا، برگرفته از کتاب البهان، کتابخانه بادلیان آکسفورد.

می خوریم (یزدان پرست، ۱۳۹۵: ۶-۱۷). گرچه گروتسک در دنیای غرب مطرح شده است، اما در آسیای مرکزی نیز تصاویری مانند دیوها در روایات و قصص با نام‌هایی چون دیو، جن، ابلیس، شیاطین و هیولاهای عظیم‌الجثه و در اسناد قدیمی با نام‌های گلیم‌گوش یا سگ‌سر وجود دارند. این موجودات در نگارگری ایرانی نیز به وفور یافت می‌شوند. موجوداتی با فطرت زشت و شخصیت اهریمنی و مخوف مانند دیوان و اجنه و شیاطین که به عنوان نماد شر در نگاره‌ها به کار می‌روند و جز در موارد استثنایی بیان گر حالات درونی نیستند و ترسناک و وحشت آور محسوب نمی‌شوند. تصاویر موجودات شر در نگاره‌های البلهان نمونه قابل توجهی از نمود گروتسک است. این موجودات به دو صورت به کار رفته‌اند: یا به عنوان موضوع اصلی تصویر ترسیم شده‌اند و یا در کنار موضوع اصلی تصویر، در بخش‌های محدودی از نگاره دیده می‌شوند. ناهمانگی، ناهنجاری، افراط و اغراق، وحشت‌آور و کمیک به‌طور مشخص در این تصاویر قابل مشاهده است. به تصویر کشیدن شیاطین و موجودات مافوق طبیعی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های کتاب البلهان می‌باشد؛ همان موجودات افسانه‌ای که به‌عنوان کهن‌الگوهای شر در تاریخ نگارگری نمود داشته‌اند. برای به تصویر کشیدن اندام این موجودات از شاخصه‌هایی مانند بال، سم، شاخ، نیش، دندان‌های بزرگ بیرون زده، دم، چشم‌ها و گوش‌های بزرگ، رنگ بدن متفاوت،

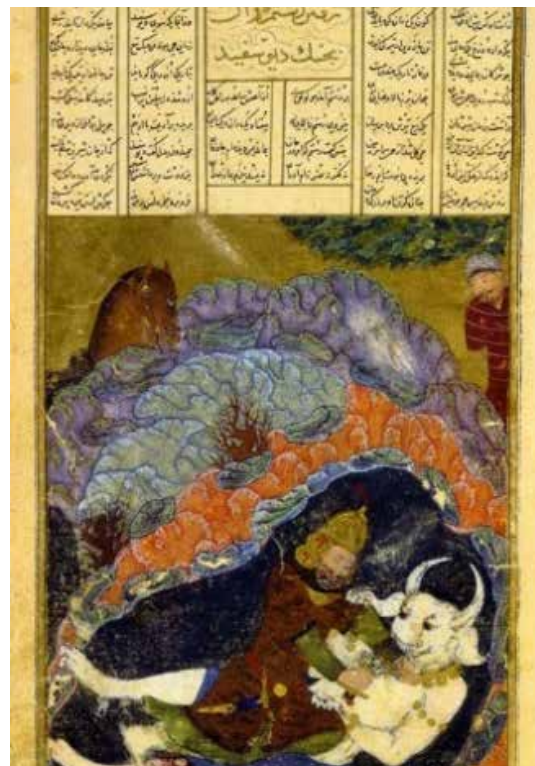
سازگار است. «بنابراین، در طول تاریخ نگارگری ایران تصویر حیوانات اسطوره‌ای و موجودات ماورایی به شکل نیروهای شر و کابوس‌های شیطانی وجود داشته و انسان‌ها مدام از آن‌ها دوری جستند» (افتخاری یکتا و نصری، ۱۳۹۵: ۲۴). در تصاویر ۲ و ۳ می‌توان نمونه‌هایی از کهن‌الگوی شر را در قالب موجود افسانه‌ای دیو در شاهنامه بایستقری و خاوران نامه مشاهده کرد که اغلب دارای جنبه‌های شر و ترسناک می‌باشند.

گروتسک در نگاره‌های البلهان

در هنر مشرق زمین تفکر گروتسک در مواجهه با پدیده‌ها و خدایان مخوف ظهور می‌یابد. نیروهای طبیعت که ویران‌گرند یا ترساننده موجب پیدایش خدایانی با هیئت‌های خاص شده‌اند. ماسک‌ها و مجسمه‌های خدایان هند و چین باستان ویژگی‌های گروتسک دارند و البته، وجه مضحک این گونه آثار با گذشت زمان تشدید شده است. سابقه ترکیب اشکال گیاهی و جانوری و موجودات خیالی در هنر ایران به قبل از پیدایش گروتسک مربوط می‌شود و همان گونه که گفته شد در آثار اولیه و تمدن‌های کهن نشان بروز نیروهای مینوی بوده و تمام موجودات ترکیبی را می‌توان زمینه‌ای برای این مساله دانست و حتی قبل از تمدن‌های مرسوم در مفرغ‌های لرستان به ترکیب موجودات پیر هیبت بر



تصویر ۳- نبرد حضرت علی (ع) و دیو سفید، برگ‌گی از خاوران نامه، ۸۳۰ هجری، مکتب شیراز.



تصویر ۲- نبرد رستم و دیو سفید، شاهنامه بایستقری، مکتب هرات.

جدول ۲. تطبیق گروتسک با کهن الگوهای شر (ماخذ: نگارندگان).

تصویر گروتسک	کهن الگوی شر	ویژگی‌های گروتسکی
	دیو بختک یا کابوس: نام علمی آن فلج خواب است؛ حالت اختناق و سنگینی است که گاهی در خواب به انسان دست می‌دهد، رویای وحشتناک توأم با احساس خفقان و سنگینی بدن که انسان را از خواب می‌پراند.	عدم تجانس (بال با بدن انسان) اغراق در اندازه اجزای صورت تعلیق در فضا داشتن شاخ و بال و گوش بزرگ بالاتنه برهنه به رنگ قهوه‌ای تیره
	تلسیمان یا طلسم تب آور: هوما نام جن طلسم تب آور است؛ که به معنی «آن است که بدن انسان را داغ می‌کند» یا نگهبان تب. در واقع، هوما جنی است که مشهورترین علت بیماری‌هاست و تلسیمان را دائم ملاقات می‌کند.	عدم تجانس (سه سر و دم عجیب با بدن انسان) ناپهنجاری اندام‌ها و حالت شخصیت (دست و پا و بدن انسان، سه سر از موجودات عجیب و دم با سر اژدها) وجود سه سر و دو دم، شاخ و نیش بالاتنه برهنه به رنگ خاکستری دست و پای باز نمادی از قدرت‌های شیطانی
	ابلیس پادشاه شیاطین است. او در قرآن از نوع جن شناخته می‌شود. او به همراه فرزندان و یارانش که شیطان خوانده می‌شوند، بارها در قرآن به عنوان دشمن آشکار آدمیان خطاب شده‌اند.	عدم تجانس اعضا با یکدیگر (پای انسان دست پنجه‌ای) اغراق در اندازه سر و اجزای صورت وجود شاخ و نیش ناپهنجاری اعضا بالاتنه برهنه به رنگ سیاه
	جن تاوابعه از جنس زنان است؛ سر چشمه او به کابالا و چهره لیلیث، الهه شیطانی که از طرف خدا برای کنترل و تضعیف نوزادان مقدر شده بود، باز می‌گردد. هم چنین، می‌تواند با ملکه جادوگران در دین مسیحی ارتباط داشته باشد. بنابراین، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است که سنت‌های عبری، مسیحی و اسلامی را با هم پیوند می‌دهد.	عدم تجانس (دندان‌های بزرگ بیرون زده نیش) اغراق در اندازه سر و اجزای صورت ناپهنجاری اعضا بالاتنه برهنه به رنگ سیاه
	جن چشم نظر یا چشم زخم یا چشم شیطان به جنی گفته می‌شود که با چشم‌هایش نیروهای شیطانی را به سمت انسان پرتاب می‌کند. یکی از متداول‌ترین طلسم‌هایی است که در همه جای خاور میانه وجود دارد.	عدم تجانس (دست انسان پای سم مانند) اغراق در اندازه سر و اجزای صورت ناپهنجاری اعضا وجود شاخ و سم چشم‌های درشت بالاتنه برهنه
	جن میمون پادشاه روز یک‌شنبه، سیاره ساتورن یا زحل می‌باشد. رنگ وی سیاه، فلزش طلاست و توسط فرشته کسفیاتیل (روفا یا بیل) کنترل و مراقبت می‌شود. این تنها پادشاه دیوان دارای بال است و در حقیقت به مثابه میمون ابرها (میمون الشبایی) توصیف شده است. وی در بین عامه به عنوان جن قدیس شناخته شده است و به نام سیدی میمون نامیده می‌شود.	عدم تجانس بال با شکل بدن اغراق در اندازه سر و اجزای صورت ناپهنجاری اعضا (سر جانوری و بدن انسان) وجود شاخ و نیش گوش بزرگ تعلیق در فضا بالاتنه برهنه به رنگ قهوه‌ای تیره

ویژگی‌های گروتسکی	کهن‌الگوی شر	تصویر گروتسک
عدم تجانس (وجود شاخ و گوش‌های بزرگ) اغراق در اندازه سر و اجزای صورت ناهنجاری اعضا (سر جانوری و بدن انسان) وجود شاخ، نیش و گوش بزرگ بالاتنه برهنه به رنگ صورتی	جن احمر و طلا پادشاه سیاره مریخ و پادشاه روز سه‌شنبه است. به دلیل این که با مریخ، سیاره جنگ رابطه نزدیکی دارد به عنوان یک هیولا سوار بر شیر هنگام نگه داشتن شمشیر و سر جدا شده در دست به تصویر کشیده می‌شود.	
عدم تجانس (وجود شاخ و نیش و گوش‌های بزرگ و عجیب) اغراق در اندازه (بزرگ نسبت به بدن و داشتن پنجه) ناهنجاری اعضا (سر جانوری و بدن انسان) وجود شاخ، زبان ماری، و گوش بزرگ بالاتنه برهنه به رنگ سیاه	جن اسود و طلا پادشاه مریخ یا عطارد پادشاه روز چهارشنبه است. فلز مربوط به او برنج است. وی ارباب قلعه طلاست و پنج تپه سنگر یا قلعه تحت حکومت وی بود که در هر یک از آن‌ها ماردین وجود داشت. او و قبیله‌اش آتش را پرستش می‌کردند. وی توسط فرشته میکائیل کنترل و مراقبت می‌شود. طلسم او بسیار ماهرانه است و یاران متبحری نیز او را همراهی می‌کنند.	
عدم تجانس (مار روی سر و نیش مار در دهان) اغراق در اندازه (بزرگ بودن سر و اعضای سر) ناهنجاری اعضا (سر انسانی - جانوری و بدن انسان) چشمان و بینی بزرگ، زبان ماری بالاتنه برهنه به رنگ خاکستری	جن شه‌مورس یا شه‌مورش پادشاه ژوپیترا یا مشتری روز پنج‌شنبه است. رنگ وی ارغوانی و فلز منسوب به وی قلع است و توسط فرشته صریاییل کنترل و مراقبت می‌شود. گفته می‌شود که پس از ظهور حضرت محمد به دین اسلام درآمده است. وی به سلطان سیاه یا سلطان الخال نیز معروف است.	
عدم تجانس (شاخ و نیش و ۴ گوش و چشم) (سر بزرگ نسبت به سایر اعضا) اغراق در اندازه سر و اجزای صورت ناهنجاری اعضا (سر جانوری و ماسک مانند با بدن انسان) بالاتنه برهنه به رنگ قهوه‌ای تیره	جن زوبعه به رئیس جنیان و شیاطین گفته می‌شود. پادشاه زوبعه ارباب روز جمعه، سیاره ونوس یا سیاره سبز رنگ فلز آهن بوده که توسط فرشته عتیاییل کنترل و مراقبت می‌شود. او یکی از ۹ جنی است که گوش به فرمان حضرت محمدند.	

گروتسک حسی ناگهانی و غیر منتظره از سردرگمی و ندانستن ایجاد می‌کند.

گروتسک حرکتی در جهت تسلط بر عنصرهای پلید و شیطانی دنیا و طرد آن‌هاست.

گروتسک به عنوان بیانی از یک نیروی غیر قابل ادراک و غیر شخصی به نظر می‌رسد.

گروتسک حضور دو گانه حالتی مشمئز کننده و ترسناک است.

گروتسک تجلی دنیای پریشان و از خود بیگانه است، دنیایی از نامعقولات.

خلق گروتسک تلاشی برای احضار و مقهور کردن ابعاد

اندام نامتناسب و زشت، سر بزرگ و گاهی چند سر برای یک بدن و... استفاده شده است. در جدول ۲، گروتسک‌ها در نگاره‌های انتخابی کتاب البلهان از نظر شکل و محتوا و شاخصه‌های گروتسکی بررسی شده‌اند.

تحلیل گروتسک در البلهان بر اساس رویکرد کایزر

آنچه در تصویر کهن‌الگوهای شر در البلهان به صورت گروتسک نمود یافته است را می‌توان بر اساس رویکرد کایزر بررسی و تحلیل کرد. ویژگی‌های گروتسکی را که کایزر شناسایی نموده و برشمرده است، می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

شروانه و شیطانی جهان است.

با توجه به محورهای اصلی تئوری کایزر، گروتسک در البلهان درباره موجوداتی مانند انواع جن، دیو و شیطان به کار رفته که مربوط به این جهان نیستند. موجوداتی که برای انسان ناشناخته‌اند و گرچه در باورها ریشه دارند؛ اما مواجهه‌ای با آن‌ها برای او صورت نگرفته است.

منظور کایزر از جهان گروتسک، شکل دگرگون شده جهانی است که انسان می‌شناسد و در این جهان عناصر طبیعی ناگهان عجیب و ناخجسته به نظر می‌رسند. همین ویژگی در اندام موجودات به تصویر کشیده شده نسخه البلهان مشاهده می‌شود. موجوداتی که دارای بدن انسان هستند؛ ولی سری عجیب و ترکیبی از جانوران مختلف با شاخ و گوش‌های بزرگ، چشمان درشت، بینی گربه‌سانان و دهان بزرگ - که گاهی زبان ماری از آن خارج شده است - دارند. هم‌چنین، در این تصاویر برخی عناصر طبیعی به صورت عجیب به کار رفته است؛ مثلاً انسانی که دندان‌های نیش بسیار بزرگ دارد.

کایزر بر این عقیده است که، گروتسک، صورت ظاهری و تجسم یافته «آن» است. «آن» روح مانند که نمی‌توان آن را به جهان قابل لمس و درک و شناسایی مرتبط کرد؛ آئی که کایزر از آن یاد می‌کند، به‌طور دقیق در نگاره‌های البلهان نیز دیده می‌شود.

موجوداتی مانند غول و دیو که بر اساس باورهای پیشین وجود داشته و یا وجود دارند (جن و پری)؛ ولی چون قابل رؤیت نیستند، قابل درک و لمس و شناسایی نیز نمی‌باشند.

از سویی، کایزر با این نظر که گروتسک دلفک بازی اغراق آمیز یا فانتزی مسخره است و نه حضور دوگانه حالتی مسخره، مضمّن کننده و ترسناک، مخالفت کرده است. علی‌رغم تمامی عجز و وحشت القا شده توسط نیروهای ظلمانی که در دنیای ماورای انسان به کمین نشسته‌اند و این قدرت را دارند تا آن را به جهانی بیگانه تبدیل کنند، تأثیرات هنرمندانه واقعی باعث آشکار شدن این تاریکی‌ها و نیروهای شوم شده و این قدرت‌های غیرقابل ادراک به مبارزه طلبیده شده‌اند. کایزر با ادراکی که از گروتسک ارائه می‌کند، انسان را به این نگرش سوق می‌دهد تا واقعیت شیطان به عنوان جنبه‌ای از زندگی‌اش را از نظر علم الهیات بررسی کند؛ و هم‌چنین به ماهیت محدود بودن زندگی فانی پی ببرد. هنرمند نگارگر کتاب البلهان سعی کرده بر اساس آن‌چه در مورد موجودات ماورایی شنیده به تصویرسازی بپردازد. بر اساس آن‌چه در صفحه اول کتاب البلهان نوشته شده است، نویسنده به شرحی از خواص درختان، حیوانات و موجودات و انواع صورت‌ها پرداخته و آن‌ها را به بهترین شکل قابل تعلیم و فهم شرح داده است. از این رو، اجنه با شاخ و گوش‌های بزرگ، سم،



تصویر ۵- جن تسلیمان بر گرفته از کتاب البلهان، کتابخانه بادلیان آکسفورد.



تصویر ۴- جن ذوبعه، بر گرفته از کتاب البلهان، کتابخانه بادلیان، آکسفورد.

عنکبوت، خزندگان، حشرات موذی و فراتر از همه آن‌ها خفاش‌ها هستند که تجسم حیوانی گروتسک در نظر گرفته می‌شوند. در محوریت بیان چگونگی گروتسک، ترکیب اجزای گوناگون و ناسازگار قرار دارد، به طور مثال، انسانی با سر یک خفاش، گیاهی با دندان‌های یک حیوان یا مجسمه‌ای انسانی بر یک نیم تنه از یک ماشین. ترکیب المان‌های گوناگون جزو حیاتی ترین الزامات گروتسک به‌شمار می‌رود. کایزر گروتسک را نیروی برانگیزاننده شیاطین می‌داند که انسان تلاشی به مقهور کردن آن‌ها دارد، زیرا چیره شدن بر شر او را درگیر مبارزه و شکست دادن آن چیزی می‌کند که در واقع، به جهان عادی انسان تجاوز کرده است. این ناسازگاری اجزای بدن ویژگی بارزی است که در نگاره‌های البلهان به‌خوبی قابل تشخیص است. از آن‌جا که موضوع اصلی نگاره‌های البلهان را موجودات شر (اجنه، دیوان و شیاطین) تشکیل می‌دهد، به‌کارگیری گروتسک در آن‌ها کاملاً با تئوری کایزر هم‌خوانی دارد؛ موجوداتی تشکیل شده از ترکیب المان‌های گوناگون، با بدن انسانی و سر و دست و پای جانوری، درست همان‌گونه که کایزر تجسم می‌کند. از نظر نقاش این موجودات به حد اعلی و حشتناک و عجیب ترسیم شده‌اند. به تصویر کشیدن این موجودات شر باعث می‌شده بشر تصور کند آن‌ها را به خدمت گرفته و به این وسیله ترسش از این موجودات کاهش می‌یافته

اندام نامتجانس و اغراق شده و بارنگ‌های غیر واقعی و... به‌تصویر کشیده است و با وجود اغراق، عجیب و گاهی، حتی مسخره بودن تصاویر، به آشکار شدن دنیای پنهان و غیر قابل درک انسان‌ها کمک می‌کند.

بازی با نامعقولات از دیگر شاخصه‌های تصویری البلهان است، که کاملاً با نظریه کایزر مطابقت دارد. موجوداتی که ابوالحسن الاصفهانی تصویر کرده است از جهانی غیر قابل ادراک و شخصی سرچشمه گرفته‌اند. شخصیت‌های تصویر به قدری عجیب و از دنیای واقعی دور هستند که در مخیله انسانی نمی‌گنجند. بنا به گفته نویسنده در صفحه اول این کتاب، تلاش نویسنده بر این بوده که مطالب را تا جایی که امکان دارد، قابل فهم و درک ارائه کند و بر همین اساس نیز به خلق تصاویر بر اساس نوشته‌ها پرداخته است. هم‌چنین، با توجه به کتاب مشابهی به نام السعادت نوشته محمد ابن امیر حسن السعودی، که هم‌زمان و دارای تصاویر و مطالب کاملاً مشابهی می‌باشد، شاید بتوان گفت که شاخصه‌های تصویری ذکر شده بر اساس نوشته‌های کتاب صورت گرفته است. تصاویر ۴ و ۵ نمونه‌هایی است که این ویژگی‌ها را می‌توان در آن‌ها یافت.

برخی از موضوعات گروتسکی - که کایزر آن‌ها را شناسایی می‌کند - شامل هیولاها، حیوانات، به خصوص مارها، جغد، غوک،



تصویر ۷- جن چشم نظر (چشم شیطان)، البلهان، کتابخانه بادلیان آکسفورد.



تصویر ۶- ابلیس، از کتاب البلهان، کتابخانه بادلیان آکسفورد.

است. دو نمونه از موجودات را که با یک ساختار وحشتناک تصویر شده‌اند، می‌توان در تصاویر شماره ۶ و ۷ مشاهده کرد. علی‌رغم تمامی عجز و وحشت القا شده توسط نیروهای ظلمانی که در دنیای ماورای انسان به کمین نشست‌اند و این قدرت را دارند تا آن را به جهانی بیگانه تبدیل کنند- تاثیرات هنرمندانه واقعی قرن‌ها پیش توسط نگارگران ایرانی باعث آشکار شدن این تاریکی‌ها و نیروهای شوم شده و این قدرت‌های غیر قابل ادراک را به مبارزه طلبیده‌اند. ادراکی که کایزر از گروتسک ارائه می‌کند، مارا به این نگرش سوق می‌دهد تا واقعیت شیطان، دیو، اجنه را به‌عنوان جنبه‌هایی از زندگی انسان از نظر علم الهیات بررسی کنیم و هم‌چنین، به ماهیت محدود بودن زندگی فانی پی ببریم. در بدن گروتسکی، مرگ هیچ چیز را به پایان نمی‌رساند؛ زیرا در بدن اجدادی یعنی بدنی که در نسل بعد احیا می‌شود، دوباره آغاز می‌گردد. به‌همین دلیل است که بشر از دوران باستان با این گروتسک‌ها روبه‌رو بوده است. در واقع، اسم آن‌ها تغییر یافته است نه ماهیت و مضمون شر و ذات بد آن‌ها.

نتیجه‌گیری

کتاب البلهان ابومعشر بلخی با تعداد قابل توجهی نگاره با مضامین شر، مفاهیم جدیدی را در ارتباط با خلق کهن الگوهای شر در نگارگری ایرانی به‌دست می‌دهد که کلیه ویژگی‌های گروتسکی یعنی ناپهنجاری، عدم هماهنگی، افراط و اغراق و وحشت‌آوری در آن‌ها مشاهده می‌شود. با توجه به نمونه‌های ارائه شده از کتاب البلهان می‌توان گروتسک را به تصویر کهن الگوهای شر در نگارگری ایرانی تعمیم داد. نفرت، اشمئزاز، آکراه و ترس موجب می‌شود تا این آثار هر چه بیشتر به گروتسک نزدیک شوند.

در بررسی نظریه کایزر در مورد گروتسک می‌توان به این مهم دست یافت که او در تشریح جهان گروتسکی ویژگی‌هایی بر شمرده است که با دیدگاه نگارگران ایرانی مطابقت داشته است. او به کارگیری گروتسک را در ارتباط با مفاهیم مذهبی ناآشنا با چشم انسان، ناگزیر می‌داند و به ویژگی ترس آور گروتسک بیش‌تر تاکید می‌کند.

از جمله ویژگی‌هایی که کایزر در بیان گروتسک بر می‌شمرده، به کارگیری حیوانات موذی مانند مار است و همان‌طور که در نمونه‌ها مشاهده می‌شود، از تصویر مار روی سر و یانیش و دم مار در برخی نگاره‌ها بهره گرفته شده است. این امر به جهت تاکید بر جنبه وحشت آور موجودات شر بوده است.

طراحی از چند زاویه، اغراق در اندام‌ها، طراحی آزاد و پویا و بیان گرا، خطوط ضخیم کنارنما، از محورهای تئوری کایزر است که کاملاً با نگاره‌های البلهان منطبق است.

عدم تجانس اندام‌ها نیز دیگر ویژگی گروتسک‌ها است که در نگاره‌های البلهان قابل تشخیص است. داشتن سری ترکیبی از جانوران متفاوت (شاخ بز، بینی گربه سنانان، دندان‌های نیش بزرگ، و چند چشم) دم مار، سم و پنجه‌های تیز دست را می‌توان در این نگاره‌ها مشاهده نمود.

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که نگارگر ایرانی هر جا با موجودات شر مواجه شده است، به دلیل بیگانگی موضوعات برای تصویر کردن آن از گروتسک بهره جسته است. از سوی دیگر، از میان نظریه پردازان گروتسک ولفگانگ کایزر و محورهای تئوری او با ویژگی‌های تصویر کهن الگوهای شر در نگارگری ایرانی منطبق است. در این بین، کتاب البلهان ابومعشر بلخی با داشتن بیش از ۱۰ نگاره با موضوع اجنه، دیو و ابلیس نمونه قابل توجهی از به کارگیری گروتسک کایزر به‌شمار می‌آید.

پی‌نوشت

۱. آرکتایپ یا آرکی بر گرفته از واژه یونانی آر که تیپوس به معنی الگو یا مدلی است که چیزی را از روی آن می‌سازند. آر که به معنای ریشه دار، اصیل و قدیمی و مواردی از این دست به کار می‌رود و تایپ به عنوان الگو، مدل، قالب و مفاهیمی شبیه به آن می‌باشد که در فارسی کهن الگو معنی می‌شود. بر اساس تعریف دایره المعارف ادبیات وبستر، نمونه اولیه، سرنمونه، الگوی اصلی یا کهن الگو عبارت است از تصویر، شخصیت یا الگویی از شرایط که در اندیشه و ادبیات به حدی تکرار می‌شود که می‌توان آن را جهانی قلمداد کرد.

2. Grotesque.
3. Burlesque.

۴. نک. (Clay Borough, 1965).

۵. در لغت به معنای پریدن اعضای بدن مانند چشم، انقباض و گرفتن شدید عضلات است. منظور از این کلمه در کتاب البلهان حلول جن یا ارواح شر در تن آدمی است.

۶. الموالید الصغیر، که چندبار در قاهره به چاپ رسیده است. این اثر مشتمل بر ۲ نوشتار و ۱۳ فصل است. ۴ فصل نخست آن از سحر و احکام اخترشناسی در دوره‌های گوناگون، ۵ فصل پس از آن مطالب شگفتی درباره سحر و پیش‌گویی و ۴ فصل آن درباره موالید است.

۷. نک. البلهان ابو معشر بلخی، موجود در کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد به شماره ۱۳۳، کلیه نگاره‌های مورد استفاده در این مقاله از همین نسخه برگرفته شده است.

8. Arcetype.

۹. ملاصدرا از جمله فیلسوفانی است که با تلاش وافر، ضمن طرح انواع شبهاتی که صفات کلیدی علم، قدرت و خیرخواهی خداوند را نشانه رفته‌اند و به تبع آن احسن بودن نظام عالم را نیز زیر سوال برده‌اند، با مدد گرفتن از اصول و مبانی حکمت متعالیه خود، راه حل‌های منطقی برای آن‌ها ارائه می‌کند و هم‌چنان بر اعتقاد خود به خیر محض بودن خدا، قدرت مطلقه، حکمت بالغه، علم بی‌منتها و احسن بودن نظام صادر از او تأکید دارد. اصلی‌ترین مبنای ملاصدرا در پاسخ گویی به شبهات در این زمینه اصالت وجود است و راه حل‌های اساسی او در این خصوص، از الگوی عدمی بودن شر و مجعول بالعرض بودن آن تبعیت می‌کند، یعنی همان راه حل‌هایی که فیلسوفان یونان باستان نظیر افلاطون و ارسطو در این باب عرضه کرده‌اند، اما نوآوری ملاصدرا در این باب بازگشت به استفاده کاربردی از اصل اصالت وجود و مساوی قرار دادن آن با خیر است (عامری و توازیانی، ۱۳۹۴: ۸۵).

منابع

- آدامز، جیمز لوتر و یتس، ویلسون (۱۳۹۵). *گروتسک در هنر و ادبیات*، ترجمه آتوسا راستی، تهران: قطره.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱). *فرهنگ علوم انسانی انگلیسی به فارسی*، تهران: مرکز.
- افتخاری یکتا، شراره و نصری، امیر (۱۳۹۵). «نمود «بدن گروتسک» در نقاشی‌های محمد سیاه قلم بر مبنای اندیشه میخائیل باختین»، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، شماره ۶۷، ۲۱-۳۰.
- باختین، میخائیل (۱۳۷۷). «راپله و تاریخ خنده» در *آمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه محمد جعفر پوپنده، تهران: نقش جهان.
- بلخی، ابومعشر (سده هشتم). *البلهان*، کتابخانه بادلیان آکسفورد، نسخه شماره ۱۳۳.
- پاکباز، روئین (۱۳۸۱). *دایره المعارف هنر*، تهران: فرهنگ معاصر.
- تامپسون، فیلیپ (۱۳۶۹). *گروتسک در ادبیات*، ترجمه غلامرضا امامی، تهران: نوید شیراز.
- تامسون، فیلیپ (۱۳۹۰). *گروتسک*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۶، مقاله شماره ۲۵۶۲، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- رهنورد، زهرا (۱۳۸۶). «جلوه جلال و جمال در نگارگری و بازتاب آن در موجودات اهریمنی و مخوف»، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۲۹، ۸۷-۹۵.
- سبزیان، سعید (۱۳۸۸). *فرهنگ نظریه و نقد ادبی واژگان ادبیات و حوزه‌های وابسته*، تهران: مروارید.
- سید صدر، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *دایره المعارف سبک‌ها و شیوه‌ها، هنر مندان، مکاتب هنر، هنرها، موسیقی، صنایع دستی و سایر مباحث بنیادین*، تهران: سیمای دانش.
- طاهری، علیرضا (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی نگاره‌های کتاب سعادت و کتاب البلهان ابومعشر بلخی»، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۲۲، شماره ۱، ۱۵-۳۲.
- عامری، معصومه و توازیانی، زهره (۱۳۹۴). «مبانی و راه حل‌های ملاصدرا در مسأله شر»، حکمت صدرایی، شماره ۲، ۸۵-۱۰۰.
- قادرنژاد، مهدی و الیاسی، بهروز (۱۳۹۱). «حضور کهن‌الگوها در نگارگری ایرانی (مورد مطالعه: نور، سایه، رنگ)»، نقش مایه، دوره ۵، شماره ۱۲، ۹۵-۱۰۴.
- کامرانی، بهنام (۱۳۸۰). «گروتسک در نقاشی» هنر و معماری، شماره ۴۹، ۱۱۴-۱۳۵.
- کرامتی، محسن (۱۳۸۷). *فرهنگ اصطلاحات و واژگان هنرهای تجسمی انگلیسی به فارسی*، تهران: چکامه.
- کلارک، مایکل (۱۳۸۹). *فرهنگ فشرده اصطلاحات آکسفورد*، ترجمه الهام سادات رضایی، تهران: برگ نگار.
- کوندرا، میلان (۱۳۸۳). *هنر داستان‌نویسی*، ترجمه پرویز همایون پوریخت، تهران: قطره.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴). *دانش‌نامه نظری ادبی معاصر*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- موری، پیتر و موری، لیندا (۱۳۸۷). *فرهنگ هنر و هنر مندان*، ترجمه فریبا مقدم، تهران: دایره.
- یزدان‌پرست، رها (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی بیومورفیزم و گروتسک در هنر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نقاشی، دانشکده هنر و معماری، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۳). *انسان و سمبل‌هایش*، ترجمه محمود سلطانی، تهران: جامی.
- Bakhtin, M. (1998). *Rabelais, The Funny Carnival Culture and Grottesque Realism*. An Introduction to the Sociology of Literature, Translated by Mohammad Ja'far Pouyandeh, Tehran: Naghsh e Jahan Publication.
- Carboni, S. (1991). The 'Book of Surprises' (Kitab al-bulhan) of the Bodleian Library, *La Trobe Journal*, No. 48, pp. 22-34.
- Clay Borough, A. (1965). *The grotesque in English literature*, London: Oxford University.
- Harpham, Galt, Geoffrey (2007). On the Grottesque: Strategies of contradiction in art and literature, Aurora: The Davies Group Publishers.
- Kayser, W. (1963). *The Grottesque in Art and Literature*, trans. By Ulrich Weisstein, Bloomington.
- Kuryluk, Ewa, (1987). Salome and Judas in the cave of sex - The Grottesque: Origins, Iconography, Techniques, Evanston, Illinois: Northwestern University Press.

An Analysis of the Ancient Relationship of the Evil Pattern with the Grotesque Concept in the Paintings of Al Bolhan by Abu Mashar Balkhi in based on Kaiser's Approach

Abstract:

Man has always been amazed at the struggle between good and evil. It has been the basis of philosophical thinking since the beginning until now in binary oppositions. Belief in the conflict between the two forces is the basis of the myth contemplate of all Iranian nations. Moreover, humans have long been believed to have created creatures that have intruded into man's collective subconscious in the ancient patterns of good and evil of generations. Sometimes the faces of evil creatures in Iranian paintings have features that bring them closer to Grotesque's notions (The deep fear that sometimes leads to humor). Structuralists such as Wolfgang Kaiser and Mikhail Bakhtin have outlined their characteristics by investigating Grotesque's domain. Finally, this artistic style sought to describe an alien world in which power was not directed. In the meantime, unlike Bakhtin's, Kaiser's approach focuses more on the gruesome aspect of Grotesque and is more in line with evil archetypes in Iranian paintings. Grotesque's features can generally be summarized in incongruity, exaggeration, and anomaly of funny and ominous elements. Fear and humor are two categories that can be seen simultaneously in Grotesque, a feature that can be seen in the ancient depiction of evil patterns such as demons, goblins, and monsters in Iranian painting, and especially in the paintings of Al bolhan. The image of evil creatures in these pictures differs markedly from other creatures, and there are features in the visual reflection of evil creatures that are consistent with Kaiser's theory. Contemporaries see Grotesque as essentially a dual nature that results from contradictions and, at least in some of its forms, is a proper interpretation of the complex nature of life. Grotesque is a more or less imaginative subject that has long been a subject of art and literature. The intermingling of anomalies, wonders, laughter, horror, and, above all, imagination is one of the most influential theoretical subjects to denigrate and responding to worldly issues. In the 19th century, philosophers such as Hegel, Hugo, Simmonds, and Raskin used Grotesque in critical art and literature. Enthralled by its seemingly odd and seemingly contradictory character, they realized the importance of its social and critical philosophies and presented the first purposeful and systematic measures to describe Grotesque. Al-bolhan's book, by Abu Mashar Balkhi, preserved at Oxford's Bodleian Library, is a kind of the book of omens and contains paintings on the subject of evil beings such as the species of fairies and Iblis, and is an acceptable example of matching Grotesque's concept from Kaizer's perspective to the ancient image of evil patterns. The purpose of this study is to identify the Grotesque in the book Al bolhan Abu Mashar Balkhi with a qualitative and descriptive-analytical approach in answering the questions of what is the relationship between the image of evil beings in the Al-bolhan paintings with the concept of Grotesque? and how Kaiser's theorems can be used to attribute Grotesque to the image of evil creatures in Al-bolhan paintings? For this purpose, ten illustrations of this book have been purposely selected and investigated in the context of the Grotesque concept based on Wolfgang Kaiser's view. He finds it necessary to apply Grotesque in relation to religious concepts unfamiliar to the human eye and emphasizes the more frightening

Document Types:

Original/Research/Regular Article

Receive Date: 20 March 2020

Accept Date: 28 December 2020

Farzaneh vahed dehkordi

Ph.D student of research of art, Research of art group, Islamic azad university, Isfahan brunch (Khorasgan), Isfahan, Iran.
Email: farzanehvahed@gmail.com

Zahra Fanaei

(Corresponding Author)
Assistant professor, Research of art group, Islamic azad university, Najafabad brunch, Najafabad, Iran.
Email: zahraf1351@gmail.com



characteristic of Grotesque. Grotesque is not just a common caricature or a joke for Kaiser, but it also provokes contradictory emotions such as fun and fear. Here the underlying feeling evokes a kind of surprise, horror, and fear in a global presence that is in disrepair and remains inaccessible. According to Kaiser, Grotesque is not nonsense referring only to evil forces, but rather a dumb concept that refers to new or dimensional insights into existence that have either disappeared or presented images of a new era or spiritual mask. Multi-angle design, exaggeration in limbs, dynamic and free-flowing design, sideways braided lines are the axioms of Kaiser's theory that are perfectly in line with the paintings of Al bolhan. The heterogeneity of the limbs is another feature of the Grotesques seen in the paintings of Al bolhan. These pictures show a combination of different animals' heads (goat's horn, Cat-shaped animals nose, Large Anterior Teeth, and a few eyes). Snake tail, animal hoof and sharp claws can be seen in these pictures. Everywhere the Iranian painters have encountered evil beings, they have used Grotesque to illustrate them. On the other hand, among Grotesque's theorists, Wolfgang Kaiser and her theoretical axioms are consistent with the ancient visual properties of evil patterns in Iranian painting. Meanwhile, Abu Mashar Al Balkhi's Book of Al bolhan, with more than ten illustrations on the subject of goblins, Dave and Iblis, is a notable example of the use of Grotesque Kaiser. . Enthralled by its seemingly odd and seemingly contradictory character, they realized the importance of its social and critical philosophies and presented the first purposeful and systematic measures to describe Grotesque. Al-bolhan's book, by Abu Mashar Balkhi, preserved at Oxford's Bodleian Library, is a kind of the book of omens and contains paintings on the subject of evil beings such as the species of fairies and Iblis, and is an acceptable example of matching Grotesque's concept from Kaizer's perspective to the ancient image of evil patterns. The purpose of this study is to identify the Grotesque in the book Al bolhan Abu Mashar Balkhi with a qualitative and descriptive-analytical approach in answering the questions of what is the relationship between the image of evil beings in the Al-bolhan paintings with the concept of Grotesque? and how Kaiser's theorems can be used to attribute Grotesque to the image of evil creatures in Al-bolhan paintings? For this purpose, ten illustrations of this book have been purposely selected and investigated in the context of the Grotesque concept based on Wolfgang Kaiser's view. He finds it necessary to apply Grotesque in relation to religious concepts unfamiliar to the human eye and emphasizes the more frightening characteristic of Grotesque. Grotesque is not just a common caricature or a joke for Kaiser, but it also provokes contradictory emotions such as fun and fear. Here the underlying feeling evokes a kind of surprise, horror, and fear in a global presence that is in disrepair and remains inaccessible. According to Kaiser, Grotesque is not nonsense referring only to evil forces, but rather a dumb concept that refers to new or dimensional insights into existence that have either disappeared or presented images of a new era or spiritual mask. Multi-angle design, exaggeration in limbs, dynamic and free-flowing design, sideways braided lines are the axioms of Kaiser's theory that are perfectly in line with the paintings of Al bolhan. The heterogeneity of the limbs is another feature of the Grotesques seen in the paintings of Al bolhan. These pictures show a combination of different animals' heads (goat's horn, Cat-shaped animals nose, Large Anterior Teeth, and a few eyes). Snake tail, animal hoof and sharp claws can be seen in these pictures. Everywhere the Iranian painters have encountered evil beings, they have used Grotesque to illustrate them. On the other hand, among Grotesque's theorists, Wolfgang Kaiser and her theoretical axioms are consistent with the ancient visual properties of evil patterns in Iranian painting. Meanwhile, Abu Mashar Al Balkhi's Book of Al bolhan, with more than ten illustrations on the subject of goblins, Dave and Iblis, is a notable example of the use of Grotesque Kaiser.

Keywords: Archetype, Evil creature, Grotesque, Wolfgang Kaiser, Al-bolhan

References:

- Adams, J. L.; Yates, W. (2015) *Grotesque in Art and Literature*, translation by Atosa Rasti, Tehran: Ghatreh Publication.
- Ashury, D. (2002). *The Dictionary of Humanities Culture* (English to Persian), Tehran: Markaz Publication.
- Bakhtin, M.M. (2006). *Rabelais and his World. H. Isowolsky* (Tr.), Indiana University Press, Bloomington.
- Bakhtin, M. (1998). *Rabelais, The Funny Carnival Culture and Grotesque Realism* " An Introduction to the Sociology of Literature, Translated by Mohammad Ja'far Pouyandeh, Tehran: Naghsh e Jahan Publication.
- Balkhi, A. (1100). *Albulhan*, reserved in the Bodleian library of Oxford university.
- Carboni, S. (1991). The 'Book of Surprises' (Kitabal-bulhan) of the Bodleian Library, *La Trobe Journal*, No. 48, pp. 22-34.
- Clark, M. (2010). *The Concise Oxford Dictionary of Art Terms*, Translated by Elham Sadat Rezaei, Tehran: Barge Negar.
- Clayborough, A. (1965). *The grotesque in English literature*, London: Oxford University.
- Press. Dentith, S. (2005). *Bakhtinian Thought: An introductory reader*, Routledge, New York.
- Eftekhari Yekta, S. (2016). Reflection of the body of Grotesque in the paintings of Mohammad Siyah Ghalam, based on the thought of Mikhail Bakhtin, *Honarhaye Ziba*, Autumn.
- Hanfling, O. (1998). *Philosophy of Art*, Translated by Ali Ramin, Tehran: Hermes Publication.
- Jung, C.G. (2004). *Man and his Symbols*, Translated by Mahmoud Soltanieh, Tehran: Jami Publication.
- Jung, K.G. (1997). *Four archetypes*, Translated by Parvin Faramarzi, Mashhad: Astan Quds Razavi Publication.
- Kamrani, B. (2001). Grotesque in Painting, *Journal of Art and Architecture*, No. 49, Fall.
- Karimzadeh Tabrizi, M.A. (1984) *The Lives & Arts of Old Painters of Iran & A selection of Masters from The Ottoman & Indian Regions*, Volume One, London.
- Kayser, W. (1963). *The Grotesque in Art and Literature*, trans. By Ulrich Weisstein, Bloomington.

- Keramati, M. (2008). *Dictionary of Terms and Vocabulary of English-Persian Visual Arts*, Tehran: Chakameh Publication.
- Kundera, M. (2004) *The Art of the novel*, translated by Parviz Homayoun Pourbakht, Tehran: Ghatreh Publication.
- Makarik, I. (2005). *Contemporary Literary Theorist*, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Agah Publication.
- Murray, P; Murray, L. (2008). *A Dictionary of Art and Artists*, translated by Fariba Moghaddam, Tehran: Dayereh Publication.
- Pakbaz, R. (2009). *Encyclopedia of Art*, Tehran: Farhange Moaser Publication.
- Rahnavard, Z. (2007). The Front of Glory in Painting and its Reflection on Evil and Terrible Beings, *Honarhaye Ziba*, No. 29, Spring, pp.87-95.
- Sabzian, S; Kazazi, M.J. (2009). *Theory of Literary and Critique of Vocabulary of Literature and Related Areas*, Tehran: Morvarid Publication.
- Seyed Sadr, A. (2009). *Encyclopedia of Styles, Maners, Artists*, Tehran: Simaye Danesh Publication.
- Steig, M. (1970). Defining the Grotesque: An Attempt at Synthesis, *in journal of Aesthetics and Art Criticism*, Summer.
- Taheri, A. (2017). A Comparative Study of the Illustrations of the Book of Saadat and the Book of Al-Bulhan by Abu Ma'shar Balkhi, *Honarhaye Ziba*, Volume 22, Number 1, pp. 32-15.
- Thomson, Ph. (2005). *Grotsque in literature*, translated by Golam Reza Emami, Tehran, Navid Shiraz Publication.
- Thomson, Ph. (2009). *Grotesque*, translated by Farzaneh Taheri, Tehran: Markaz Publication.